

فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷
صص ۱۳۳-۱۴۶

مطالعه شاخص های کار آفرینی در بین دانش آموزان سال آخر سه شاخه نظری، فنی حرفه ای و کار دانش (مدارس متوسطه شهرستان گرمسار)

عبدالرحیم نوه ابراهیم^۱، اشکان تندسته^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی و مقایسه مولفه های کارآفرینی در بین دانش آموزان سال آخر مدارس متوسطه شهرستان گرمسار در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ انجام شد. شیوه انجام تحقیق زمینه یابی (پیمایشی) بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان سال آخر شاخه نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش (۱۰۳۳ نفر) تشکیل داد. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان ۴۹۳ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه گیری خوشه ای و تصادفی طبقه ای بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس نظریه مک کله لند (۱۹۶۳) و بروکهاوس (۱۹۸۰) استفاده شد. این ابزار شاخص های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک پذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، تیم کاری و آینده نگری را در بر می گرفت. برای تعیین ویژگی های روان سنجی پرسشنامه، روایی محتوایی آن با نظر خواهی از متخصصان دیربض مورد تایید قرار گرفت. علاوه بر آن به منظور برآورد همسانی درونی سوال ها ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه به میزان ۰/۸۴ محاسبه شد. داده های گردآوری شده با استفاده از شاخص میانگین، انحراف معیار و تحلیل واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین قابلیت های کارآفرینی دانش آموزان شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود دارد.

کلید واژه ها: کار آفرینی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، خلاقیت، کنترل درونی، استقلال طلبی، تحمل ابهام، آینده نگری

مقدمه:

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران naveh20001@yahoo.com
^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

بحران بیکاری به عنوان یک معضل تمامی جنبه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را به شدت متاثر می کند که گاهی اوقات اثرات غیرقابل جبرانی را نیز بر جای می گذارد. تجربه ثابت کرده است که پیامدهای اجتماعی بیکاری نه راه حل های فوری و ایدئولوژیک و اخلاقی دارد و نه محو همه جانبه، یکپارچه و کوتاه مدت آن امکان پذیر است. بسیاری از کشورها از جمله راه حل های خروج از این بحران را کارآفرینی می دانند و به آن توجه فوق العاده ای می کنند (رضازاده و همکاران، ۱۳۸۱).

به باور ذیحی و مقدسی (۱۳۸۵) کارآفرینی مقوله بسیار مهمی است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به آن توجه جدی مبذول داشته اند. در این جوامع کارآفرینی تبدیل به ابزار نیرومندی شده است که بهره گیری از آن می تواند باعث رفع مشکلاتی همچون بیکاری، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، نزول چشم گیر بهره وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات و رکود اقتصادی شود. اکنون در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشاء تحولات بزرگی در زمینه های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده اند و از آنها نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می شود.

چرخه های اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می آید (آقازاده و حسین زاده، ۱۳۸۳). فرد کارآفرین از فرصت های پیش آمده به خوبی استفاده می کند و با تغییراتی قادر به خلق اثری جدید می شود. از این رو کارآفرینی فعالیت بدیع و جدیدی نیست بلکه فعالیت نادر است (طالبیان، ۱۳۸۱). کارآفرین فردی است که ریسک پذیری را برای بدست آوردن یک امتیاز می پذیرد. همچنین کارآفرین فردی است که فرصت های جدید را حس می کند و تمایل دارد آن را بدست آورد. کارآفرین فردی است که اقتصاد فعلی را به هم می ریزد تا شکل سودمند را بنا کند.

از دیدگاه مک کله لند (۱۹۶۳) و بروکهاوس (۱۹۸۰) مهم ترین ویژگی هایی که میتوان به کارآفرینان نسبت داد عبارتند از: توفیق طلبی به معنای تمایل به انجام کار در سطح استاندارد های عالی و قصد و جهت موفقیت در موقعیت رقابتی است؛ مرکز کنترل درونی به معنای عقیده فرد نسبت به اینکه عاقبت و سرانجام وی تحت کنترل وقایع خارجی و یا داخلی می باشد؛ تمایل به ریسک پذیری به معنای پذیرش مخاطره های معتدل می باشد که می توانند با تلاش های شخصی مهار می شوند؛ استقلال طلبی یعنی کنترل داشتن بر سرنوشت

خود، کاری را برای خود انجام دادن و آقای خود بودن؛ گرایش به خلاقیت را فرآیند شناختی از به وجود آمدن یک ایده، مفهوم، کالا یا کشفی بدیع می گویند؛ تیم کاری به معنای فعالیت های موفق کارآفرینی که بر مبنای تیمی سازماندهی می شوند. این تیم ها با یکدیگر و با محیط بیرونی به تعامل می پردازند و با مشتریان و همکاران ارتباط برقرار می کنند تا بتوانند فرآیندهای نوآوری را سرعت بخشند. آینده نگری یعنی اینکه کارآفرینان می دانند به کجا می خواهند بروند. آنها تصور و دیدگاهی از آینده سازمان خود دارند، چنین دیدگاهی می تواند برنامه های کوتاه مدت را در یک جهت برای رسیدن به هدف هماهنگ نماید. و تحمل ابهام همان پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی است.

حال این سوال اساسی به ذهن تداعی می نماید که این ویژگی ها زاده می شوند یا پرورش

می یابند؟

در گذشته نه چندان دور پژوهشگران و صاحب نظران بر این عقیده بودند که این ویژگی ها با کارآفرینان متولد می شود (ذبیحی مقدسی، ۱۳۸۵). اما گروه دیگری بر اساس مطالعات و پژوهش های متعدد به این نتیجه دست یافتند که کارآفرینی همچون سایر ادراکات و اعتقادات در بافت محیطی معین می تواند آموخته شود. همچنین شواهد تجربی گوناگونی نشانگر تاثیر آموزش بر ایجاد نگرش کارآفرینی در افراد مختلف است. یافته هایی که شور و شوق جوانان را نسبت به کارآفرینی نشان می داد و این مهم که این آموزش ها می تواند مسیر شغلی آنان را در آینده نشان دهد، مویده آن است که شناسایی و پرورش رفتارهای کارآفرینانه از طریق فرآیند های آموزشی توانسته است منافع بلند مدت اقتصادی را برای افراد به وجود بیاورد. تا جایی که برخی معتقدند که این آموزش ها باید از دبیرستان شروع شود تا جوانان مسیر شغلی مناسب خود را انتخاب کنند. "براون" آموزش کارآفرینی برای جوانان را سرمایه گذاری برای آینده می داند که تجربیات مثبتی را به آنان معرفی می کند تا در آینده بتوانند تصمیمات مناسب تری درباره اشتغال خود اتخاذ کنند (مرادی، ۱۳۸۵).

مطالعات درباره تاثیر آموزش بر افزایش ویژگی های کارآفرین در دانش آموزان دبیرستانی، نشان می دهد که برگزاری آموزش های خاص در این زمینه در افزایش انگیزه پیشرفت، عزت نفس، کنترل درونی و خلاقیت دانش آموز موثر است. شرکت در دوره های

آموزش شغلی کوتاه مدت درباره نگرش های کارآفرینانه تغییراتی ایجاد می کند. این تغییر در خرده مقیاس مرکز کنترل درونی بیشتر قابل رویت است.

بنابراین هدف نهایی تعلیم و تربیت ارائه برنامه و فرصت هایی است که فراگیران دانش ها، مهارت ها، توانایی ها، نگرش ها، باورها و ارزشهایی را بدست می آورند که آنها را قادر سازد زندگی ثمر بخش برای خود و دیگران بسازند. به عبارتی تعلیم و تربیت به داشتن دو مقصد اصلی مورد شناسایی قرار گرفته است: ۱. آماده کردن افراد به عنوان اعضای مولد جامعه و ۲. قادر کردن افراد در رشد قابلیت های بالقوه شخصی خویش. و سپر^۱ (۱۹۹۳) معتقد است احتمال شکست کارآفرینانی که تنها تجربه دارند و آموزش لازم را ندیده اند زیاد است. بر عکس کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده اند کاملاً موفق هستند.

این در حالی است که نظام آموزشی کشور ما به صورت سنتی اداره می شود بنابراین نظام آموزشی مبتنی بر تفکر عمودی یا منطقی که در آن گفتار و کردار فی البداهه ی کودک تبدیل به گفتار و کرداری استاندارد و کلیشه ای می گردد؛ نظام آموزشی که عین مطلب را تحویل دهد، آموزشی ای که روش خاص را تعیین کرده و آن را اجباری می کند، نظام آموزشی ای که معلم به شاگرد می گوید: فکر کردن را رها کن و به من گوش بده و به طور کلی نظام آموزشی ای که کودکان را جام های خالی می داند که باید معلم آنها را پر کند و یا گل های کوزه گری که باید به دلخواه رنگ و شکل گیرند، یکی از بزرگترین موانع خلاقیت و پرورش کارآفرینی هستند (صمد آقایی ۱۳۸۵، ص ۱۰۴).

بنابراین به نظر می رسد مدارس ما در تقویت و پرورش شاخص های کارآفرینی که در بالا ذکر شد در حد مطلوبی قرار ندارند و همچنین دانش آموزانی که در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش مشغول به تحصیل هستند و مباحث نظری و مهارت آموزی را به صورت توأم در برنامه های درسی خود دارند در زمینه شاخص های کارآفرینی از دانش آموزان شاخه نظری از سطح بالاتری برخوردار باشند.

پیشینه پژوهش

○ صمدی و شیرازی اصفهانی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش آموزان» به این نتیجه دست یافت که علاوه بر رابطه

^۱ . Vesper

بین دو این متغیر شاخص های میزان خلاقیت، عزت نفس، منبع کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، آینده نگری و ریسک پذیری در سطح معناداری (۰/۰۱) بالاتر از میانگین نظری قرار داشت.

خدمتی توسل (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان «زمینه بروز و پرورش کارآفرینی در بین دانش آموزان دبیرستان های پسرانه شهرستان کرج را از نظر مدیران، دبیران و دانش آموزان» مورد بررسی قرار داد. نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، ریسک پذیری و مرکز کنترل درونی دانش آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است.

بدری و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی که با عنوان «بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان» انجام داده اند، به این نتایج دست یافتند که قابلیت های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود، اما نمرات ریسک پذیری از متوسط نمره معیار پایین تر بود. همچنین آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های کارآفرینی در دانشجویان موثر نبوده است.

کلانتری و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات» به این نتیجه دست یافتند که بین ویژگی های کارآفرینی با دارا بودن آموزش های رسمی دانشگاهی، ریسک پذیری، داشتن مهارت فردی و خلاقیت، رابطه معناداری وجود دارد و در این میان سهم دانش آموختگان رشته های علوم انسانی در توسعه مطبوعات و نشریات کشور بیش از سایر دانش آموختگان در رشته های دیگر دانشگاهی بوده است.

عزیزی (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه زمینه های بروز پرورش کارآفرینی دانشجویان شهید بهشتی» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین متغیرهایی چون میزان تحمل، اعتماد به کنترل درونی، نیاز به توفیق طلبی، مخاطره پذیری، خلاقیت و نوآوری و استقلال طلبی با کارآفرینی رابطه معنی داری وجود دارد. علاوه بر آن، پژوهش نشان داد که بین برنامه های تحصیلی و آموزشی ارائه شده و میزان کارآفرینی در دانشجویان رابطه معنی داری وجود ندارد.

هشام و عثمان (۱۹۹۵) در طرح پژوهشی خود به بررسی نقش آموزش های رسمی و غیر رسمی در عملکرد کارآفرینان در سنگاپور پرداخته اند. وی در پایان این پژوهش نتیجه گرفته

اند که آموزش‌های رسمی و غیر رسمی عامل مهمی محسوب می‌شوند که سهم قابل توجهی در عملکرد کارآفرینان دارند.

مورنی (۲۰۰۳) پژوهش خود را با هدف تعیین سطح ارزش‌های کارآفرینی میان مدیران تعاونی‌ها تحقیقی در مدارس راهنمایی در بخش پدانگ در غرب سوماترا- اندونزی، انجام داده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که نگرش پاسخگران به کارآفرینی نسبتاً بالا بوده است. البته مهارت‌های کارآفرینی این پاسخگران تنها در سطح متوسطی بود. در حالی که آزمون t و آزمون ANOVA نشان‌دهنده سطح تحصیلات و موقعیتی که مدیران تعاونی داشتند بر نوع رهبری و سطح مهارت‌های کارآفرینی تاثیر داشته است.

نورحطاط موحّد (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی سطح دانش مهارت‌ها و دیدگاه‌ها و کارآفرینی در میان دانش‌آموزان دبیرستان کلانگ والی پرداخته و رابطه بین دانش مهارت‌ها و نگرش‌های کسب و کار و کارآفرینی در آنها را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانش‌آموزان درباره کسب و کار و کارآفرینی متوسط است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانش‌آموزان درباره کسب و کار و کارآفرینی در بین دانش‌آموزانی که تحت برنامه کارآفرینی قرار گرفته‌اند و دانش‌آموزانی که تحت برنامه کارآفرینی قرار نگرفته‌اند، تفاوت معناداری وجود ندارد

یاب پوموی (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی میزان آمادگی معلمان مالی برای آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای ایالت ویلاها پرسکوتوا مالزی در سال ۲۰۰۳ پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که معلمان امور مالی آمادگی تدریس در زمینه کارآفرینی را ندارند. آنها از نظر دانش نظری آمادگی بیشتری نسبت به دانش عملی دارند. آنها تسلط کمی به محتوای موضوعاتی چون کامپیوتر و کارآفرینی دارند، و در زمینه استراتژی‌های کارآفرینی اطلاع کمی دارند. همچنین دانش مربوط به شیوه تدریس این معلمان در زمینه محتوایی که تدریس می‌کنند کم است. اکثر معلمان امور مالی، کار گروهی و روش‌های توصیفی را به عنوان مفیدترین روش برای تدریس در آموزش کارآفرینی می‌دانند. نگرش معلمان درباره این موضوع در حد متوسط مثبت است. پژوهش نتیجه می‌گیرد که به هر حال جهت گیری این نگرش‌ها باید ارتقا یابد، به گونه‌ای که

این معلمان بتوانند در دانش آموزان انگیزه ایجاد نمایند تا به کارآفرینی روی آورند. او با توجه به یافته‌های خود پیشنهاد می‌کند که باید قبل از تدریس موضوعات جدید را از معلمان بخواهیم و باید آنها را دوباره آموزش دهیم. نظر بر اهمیت موضوع کارآفرینی و ارتباط آن با موضوع آموزشی، اجتماعی و اقتصادی، این پژوهش بر آن است تا شاخص های کارآفرینی را در بین دانش آموزان سال آخر متوسطه مطالعه و مقایسه نماید. در واقع سوال اصلی پژوهش این است که آیا بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان سال آخر شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش تفاوت معنی داری وجود دارد؟ براساس سوال اصلی فوق، سوال ویژه پژوهش به شرح زیر است:

آیا بین هریک از مؤلفه های: انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی، استقلال طلبی، تحمل ابهام، تیم کاری و آینده نگری در میان دانش آموزان سال آخر شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش تفاوت معنی داری وجود دارد؟

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش زمینه یابی (پیمایشی) می باشد.

آزمودنی ها: جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان سال آخر دبیرستان ها، هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش شهر گرمسار به تعداد ۱۰۳۳ نفر تشکیل می دهند. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان ۴۹۳ نفر برآورد گردید و به شیوه نمونه گیری خوشه ای و تصادفی طبقه ای انتخاب شد. جدول ۱ توزیع و نمونه آماری پژوهش را نشان میدهد.

جدول ۱. توزیع جامعه و نمونه تحقیق به تفکیک شاخه تحصیلی

شاخه تحصیلی	حجم جامعه	حجم نمونه
نظری	۶۶۸	۲۴۸
فنی و حرفه ای	۱۲۵	۹۷
کار و دانش	۲۴۰	۱۴۸
مجموع	۱۰۳۳	۴۹۳

ابزار: ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه ۵۴ سوالی با طیف ۵ درجه ای لیکرت است که بر اساس نظریه مک کله لند (۱۹۶۳)، و برونکهاوس (۱۹۸۰) توسط محقق

ساخته شده است این پرسشنامه شاخص های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک پذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، تیم کاری و آینده نگری را در بر می گیرد. برای تعیین ویژگی های روانسنجی پرسشنامه، روایی محتوایی آن توسط متخصصان دیربط مورد تأیید قرار گرفت. به منظور برآورد همسانی درونی بین سؤال ها و مؤلفه ها ضریب آلفای کرونباخ در یک مطالعه مقدماتی با حجم ۳۵ نفر محاسبه شد. جدول ۲ ضرایب پایایی پرسشنامه را نشان می دهد.

جدول ۲. ضرایب پایایی پرسشنامه به تفکیک مؤلفه های تشکیل دهنده

مؤلفه	تعداد آزمودنی	ضریب پایایی
انگیزه پیشرفت	۳۵	۰/۸۶
تمایل به ریسک	۳۵	۰/۸۵
گرایش به خلاقیت	۳۵	۰/۸۶
کنترل درونی	۳۵	۰/۸۷
نیاز به استقلال	۳۵	۰/۸۵
تیم کاری	۳۵	۰/۸۵
تحمل ابهام	۳۵	۰/۸۶
آینده نگری	۳۵	۰/۹۰
کل سوالات	۳۵	۰/۸۴

شیوه تحلیل داده ها: داده های گردآوری شده با استفاده از شاخص میانگین، انحراف معیار و تحلیل واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

یافته ها

در جدول ۳ یافته های توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره، تعداد ماده ها و آزمودنی ها ارائه شده اند.

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حدکثر نمره مولفه های کارآفرین در کل نمونه تحقیق

متغیرهای پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد ماده
انگیزه پیشرفت	۴۹۳	۳,۲۹	۰/۵۹	۱/۷۱	۵	۷
تمایل به ریسک و مخاطره	۴۹۳	۳,۴۴	۰/۶۵	۱/۴۰	۵	۱۲
گرایش به خلاقیت	۴۹۳	۳,۳۳	۰/۶۲	۱/۷۵	۵	۸
کنترل درونی	۴۹۳	۳,۳۲	۰/۶۶	۱/۸۶	۵	۷
نیاز به استقلال	۴۹۳	۳,۳۰	۰/۷۶	۱	۵	۳
تیم کاری	۴۹۳	۳,۳۰	۰/۷۰	۱/۷۵	۵	۴
تحمل ابهام	۴۹۳	۳,۲۴	۰/۸۲	۱	۵	۴
آینده نگری	۴۹۳	۳,۲۶	۰/۷۰	۱/۲۵	۴/۷۵	۴
روحیه کارآفرینی	۴۹۳	۳,۳۱	۰/۴۰	۲/۲۴	۴/۴۱	۴۹

شاخص تمایل به ریسک و مخاطره با میانگین (۳/۴۴) و انحراف معیار (۰/۶۵) بالاترین مقدار و شاخص تحمل ابهام با میانگین (۳/۲۴) و انحراف معیار (۰/۸۲) کمترین مقدار میانگین را بخود اختصاص داده اند.

میانگین کل برای شاخص کارآفرینی بالاتر از حد متوسط و برابر ۳/۳۱ به دست آمده است. انحراف معیار ۰/۴۰ برای شاخص کارآفرینی بیانگر پراکندگی پایین بین نظرات افراد است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار شاخص ها را به تفکیک شاخه های تحصیلی

متغیرها	شاخه نظری		شاخه کاردانش		شاخه فنی حرفه ای	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
انگیزه پیشرفت	۳,۱۴	۰,۶۰	۳,۳۵	۰,۵۶	۳,۵۹	۰,۴۵
تمایل به ریسک و مخاطره	۳,۳۳	۰,۶۸	۳,۵۱	۰,۶۴	۳,۶۵	۰,۵۵
گرایش به خلاقیت	۳,۱۷	۰,۶۳	۳,۴۳	۰,۶۱	۳,۶۰	۰,۴۲
کنترل درونی	۳,۱۲	۰,۶۶	۳,۴۲	۰,۶۲	۳,۶۹	۰,۴۹
نیاز به استقلال	۳,۱۸	۰,۸۳	۳,۴۰	۰,۷۳	۳,۴۸	۰,۵۸
تحمل ابهام	۳,۰۹	۰,۷۷	۳,۳۶	۰,۸۸	۳,۴۳	۰,۸۰
تیم کاری	۳,۱۷	۰,۷۶	۳,۳۶	۰,۶۰	۳,۵۵	۰,۶۰
آینده نگری	۳,۰۶	۰,۷۰	۳,۴۱	۰,۶۸	۳,۵۷	۰,۵۸
روحیه کارآفرینی	۳,۱۶	۰,۳۹	۳,۴۱	۰,۳۸	۳,۵۷	۰,۳۱

مطابق جدول ۴ براساس یافته های بدست آمده میانگین تمام متغیرهای تحقیق در هر سه شاخه تحصیلی در جامعه نمونه بالاتر از ۳ یعنی بالاتر از حد متوسط میباشد. همچنین، میانگین روحیه کارآفرینی در شاخه فنی حرفه ای ۳,۵۷ بالاتر از میانگین این متغیر در دو شاخه دیگر تحصیلی است. درحالیکه متغیرهای کنترل درونی و تمایل به ریسک در شاخه فنی حرفه ای بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده اند، آینده نگری با ۳,۰۶ در شاخه نظری از کمترین میانگین برخوردار است.

به منظور مقایسه میانگین روحیه کارآفرینی و شاخص های آن و تعمیم نتایج پژوهش به جامعه ای که نمونه از آن استخراج شده، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA استفاده شده است. نتایج محاسبات در جدول ۵ خلاصه شده است:

جدول ۵. خلاصه تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه میانگین نمره مولفه های کارآفرینی در بین سه شاخه نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش

مولفه ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معناداری
انگیزه پیشرفت	۱۵,۴۴	۲	۷,۷۲	۲۴,۲۰	۰,۰۰۰
ریسک پذیری	۸,۵۶	۲	۴,۲۸	۱۰,۲۱	۰,۰۰۰
گرایش خلاقیت	۱۴,۹۲	۲	۷,۴۶	۲۰,۹۶	۰,۰۰۰
کنترل درونی	۲۴,۲۷	۲	۱۲,۱۳	۳۱,۱۴	۰,۰۰۰
استقلال طلبی	۷,۸۸	۲	۳,۹۴	۶,۸۳	۰,۰۰۰
تحمل ابهام	۱۱,۱۶	۲	۵,۵۸	۸,۳۵	۰,۰۰۰
تیم کاری	۱۱	۲	۵,۵۰	۱۱,۶۳	۰,۰۰۰
آینده نگری	۲۲,۴۶	۲	۱۱,۲۳	۲۴,۵۱۱	۰,۰۰۰
روحیه کارآفرینی	۱۳,۷۶	۲	۶,۸۸	۴۹	۰,۰۰۰

مطابق جدول ۵ چون سطح معناداری تمامی شاخص ها کوچکتر از ۱٪ است، بنابراین تمامی فرض های صفر رد می شود و با اطمینان ۹۹٪ نتیجه گرفته می شود که بین میانگین های سه گروه پیرامون روحیه کارآفرینی و شاخص های آن تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی ال اس دی نشان می دهد که روحیه کارآفرینی و تمامی شاخص های آن در بین دانش آموزان شاخه فنی حرفه ای از دو شاخه نظری و کاردانش بالاتر است. همچنین آزمون بیانگر این است که شاخص های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه کاردانش از شاخه نظری بالاتر است.

بحث و نتیجه گیری

در مورد سوال اصلی پژوهش با توجه آزمون F در سطح (۰/۰۱) مشخص شد که بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان سال آخر شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش تفاوت معنی داری وجود دارد و این نتیجه با نتایج پژوهش ناظم (۱۳۸۶)، صمدی و شیرازی اصفهانی (۱۳۸۶)، خدمتی توسل (۱۳۷۹)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، کلاتنری و همکاران (۱۳۸۳)،

عزیزی (۱۳۸۲)، نورحطاط موحد (۲۰۰۳)، یاب پومی (۲۰۰۲)، هماهنگ است. هرچند روحیه کارآفرینی در هر سه شاخه از میانگین بالایی برخوردار است لکن تفاوت معنی داری آنها در سه شاخه نشان از این است که برنامه درسی آنها تفاوت‌های عمده ای دارند و اهداف متفاوتی را دنبال میکنند. به نظر می رسد در برنامه ریزی درسی مدارس نظری همچنان بر حفظ مطالب کتاب و بحث های انتزاعی بدون توجه به کاربرد آنها تکیه می شود درحالیکه در شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش که با بازار و فناوری سروکار دارند، آموزش کارآفرینی و ویژگیهای آن بیشتر مورد توجه قرار می گیرد.

همچنین مشخص شد که بین مؤلفه های کارآفرینی یعنی انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی، استقلال طلبی، تحمل ابهام، تیم کاری و آینده نگری بین دانش آموزان سال آخر شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش تفاوت معنی داری وجود دارد. این نتایج نیز موید آن است که مجموعه برنامه درسی در ابعاد مختلف کارآفرینی با تفاوت عمده ای در سه شاخه تحصیلی در مدارس دنبال می شود.

به نظر میرسد باید اقداماتی به منظور اصلاح و بازنگری در برنامه های آموزشی برای ارتقای سطح قابلیت های کارآفرینی در نظام آموزشی بویژه در دبیرستان ها (رشته های نظری) صورت پذیرد. ایجاد انکوباتورها (مراکز رشد) و آموزش قابلیت های کارآفرینی در برنامه درسی می تواند گامی در جهت بهبود این شاخص ها در دانش آموزان باشد. برای کاهش فاصله میان دوره های نظری از جهت مهارت‌های کارآفرینی احتمالا یکی از موثرترین اقدامات می تواند ارائه دروس عملی در مدارس نظری باشد. ایجاد واحدهای درسی به صورت عملی و نظری بصورت توأم (دوره های ساندویچی) در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان می تواند مفید باشد.

مطالعه تجربه کشورهایمانند آلمان در ارائه دروس عملی در مدارس می تواند راهکارهای مناسبی را برای ایجاد تحول در برنامه درسی مدارس ایران ارائه دهد. از اینرو، ایجاد دوره های طرح کاد برای دانش آموزان که بتوانند به صورت عملی با محیط و مواد لازم درگیر شوند و از این طریق مهارت و توانایی لازم برای ایجاد طرح کارآفرین را داشته باشند.

برای توسعه فعالیت های کارآفرینی، به خصوص در بین فارغ التحصیلان هنرستانی و کاردانش، برنامه های جامع باید برای جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی، تعاونی و بانک ها در این زمینه طراحی و تدوین شود تا از پروژه های کارآفرینان حمایت کنند.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۳). **کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها**. تهران: انتشارات پردیس.
- آقا زاده، هاشم و حسین زاده، هاشم (۱۳۸۳). **کارآفرینی سازمانی**. ماهنامه تدبیر شماره ۱۰۲.
- بدری، احسان، لیاقتدار، محمد جواد، عابدی، محمدرضا، جعفری، ابراهیم (۱۳۸۵). **بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان**. <WWW.SID.IR>
- خدمتی توسل، بی نام (۱۳۷۹). **بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی**. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه شهید بهشتی.
- ذبیحی، محمدرضا و مقدسی، علیرضا (۱۳۸۵). **کارآفرینی از تنوری تا عمل**. مشهد: نشر جهان فردا.
- رضا زاده، حجت اله، شیخیان، ناهید. احمد پورداریانی، محمود (۱۳۸۱). **کارآفرینی در آلمان**. ماهنامه علمی تخصصی بازاریابی، شماره ۲۲.
- صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۵). **خلاقیت جوهره کارآفرینی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۵). **سازمان های کارآفرین**. تهران: انتشارات موسسه آموزش عالی و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- صمد آقایی، جلیل (۱۳۷۷). **از کارآفرینی تا جان آفرینی**. نشریه کار و جامعه، شماره ۲۷.
- صمدی، پروین؛ شیرزادی؛ اصفهانی، هما (۱۳۸۶). **بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی**. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۶، سال پنجم، تابستان ۸۶.
- طالبیان، احمدرضا (۱۳۸۱). **کارآفرینی اجتماعی**. ماهنامه تدبیر، شماره ۱۲۸.
- عزیزی، محمد (۱۳۸۲). **بررسی و مقایسه زمینه های بروز پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی**. [گزارش]، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ و هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۳). **بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات**. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.

- مرادی، نرگس (۱۳۸۵). «مدیریت کارآفرینی»، کرج: انتشارات موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۸۴). **کارآفرینی در سازمان های دولتی**. تهران: چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ناظم، فتاح (۱۳۸۶). **کارآفرینی مدیران و مولفه های آن در مناطق مختلف دانشگاه آزاد اسلامی**. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، سال دوم، شماره دوم، بهار ۸۶.
- Hisham Hj; Badrul Osman (1995) **Formal and non-formal education and their contributions on entrepreneurial performance** *Unpublished master's thesis*, Keebangsaan University < : <http://www.usasbe.org/knowledge>>
- McClelland, D. (1962). **Business Drive and National Achievement**. Harvard Business Review, No.40, p. 89.
- Moi, Ya Pop. (2002). **The Readiness of commerce teachers toward teaching entrepreneurial**. *Unpublished master's thesis*, <<http://www.usasbe.org/knowledge> >
- Movahed, Norhaatta (2003). **Knowledge, skills and attitude towards Business and entrepreneurship among students from secondary schools in the Klang**. *Unpublished master's thesis*< <http://www.usasbe.org/knowledge>>
- Murni, Isteti (2003) **Entrepreneurial values among the cooperative managers: a Study at the cooperative of secondary schools in district of Padang**. West Sumatera- Indonesia, *Unpublished master's thesis* West Sumatera- Indonesia, University <<http://www.usasbe.org/knowledge>>
- Vesper, K. (1982). **Introduction and Summary of Entrepreneurship Research**. New York: Ballinger.